

به نام خدا

درآمدی بر حقانیت شیعه

مؤلف :

زهره مرادی پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : مرادی پور، زهرا، ۱۳۶۴

عنوان و نام پدیدآور : درآمدی بر حقانیت شیعه / مولف زهرا مرادی پور
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.

مشخصات ظاهری : ۱۲۳ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۶۸-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : درآمدی - حقانیت شیعه

رده بندی کنگره : TP ۹۸۳

رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸

شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : درآمدی بر حقانیت شیعه

مولف : زهرا مرادی پور

ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : محدثه فرهمند

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵

چاپ : زبرجد

قیمت : ۲۱۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۶۸-۱

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست

فصل اول : کلیات، مفاهیم و تعاریف.....	۵
فصل دوم : ادبیات نظری.....	۹
معنای لغوی شیعه	۱۰
معنای اصطلاحی شیعه	۱۱
واژه شیعه در قرآن و حدیث	۱۳
اخباری در تشریح مقام تشیع	۱۴
مفهوم حق و حقانیت	۱۹
اصل تشیع و اولین واضع اسم آن	۲۰
علل و ظهور تشیع	۲۵
اولین گروه تشیع	۳۲
اهل سنت	۳۳
فصل سوم : حقانیت شیعه در مسائل فقهی و عبادی.....	۳۵
عدم مخالفت سنت پیامبر(ص) با قرآن	۳۶
رجعت	۳۸
شفاعت	۴۲
متعہ	۴۵
اذان، کلمه شهادت	۵۰
جمع بین نماز ظهر وعصر	۵۲
شستن پاها هنگام وضو بر خلاف نص صریح قرآن	۵۴

۵۵.....	دعا و نیایش
۵۸.....	قبولی دعا در کنار اعتقاد به ائمه
۶۱.....	گریستن بر مردگان
۶۲.....	گنبد و بارگاه
۶۷.....	سجده بر تربت سیدالشهداء (ع)
۶۹.....	پیام معنوی شیعه
۷۱.....	فصل چهارم : حقانیت شیعه در مسائل سیاسی - اجتماعی
۷۲.....	امامت و جانشینی پیامبر(ص)
۹۶.....	مبانی سیاسی شیعه
۹۹.....	عدم پیروی از مذاهب جمهور
۱۰۰.....	تقیه از دیدگاه شیعه
۱۰۶.....	نتیجه گیری
۱۰۷.....	پاسخ به سئوالات
۱۱۰.....	پیشنهادهات
۱۱۱.....	خلاصه تحقیق(مقاله)
۱۱۲.....	علل و ظهور تشیع
۱۲۱.....	فهرست منابع و مأخذ

فصل اول :

کلیات، مفاهیم و تعاریف

مقدمه

آغاز پیدایش شیعه را که برای اولین بار به شیعه ی علی معروف شدند همان زمان حیات پیغمبر اکرم(ص) باید دانست و جریان ظهور و پیشرفت دعوت اسلامی در ۲۳ سال زمان بعثت موجبات زیادی در برداشت که طبعاً پیدایش چنین جمعیتی را در میان یاران پیغمبر اکرم(ص) ایجاب می کرد و همچنین نام شیعه ی علی(ع) و شیعه ی اهل بیت در سخنان پیغمبر اکرم(ص) بسیار دیده می شود. و اما نسبت به سنت پیامبر(ص) پر واضح است که سنت را باید از اهل بیت(ع) گرفت زیرا معنای لغوی سنت طریقه و روش است و روش اکثر مردم به طور کامل برای غیر اهل بیت او روشن و واضح نخواهد بود.

مراد از پیروی از اهل بیت در اعتقادات شیعیان این نیست که در مکتب تشیع، قرآن و سنت عمل نمی شود بلکه مراد آن است که قرآن و سنت باید از طریق اهل بیت(ع) به دست آورده شده بعد به آن دو عمل شود. آنچه شیعه را از موافقت با خلافت انتسابی باز داشت. ترس از دنباله ناگوار آن یعنی فساد روش حکومت اسلامی و انهدام اساس تعلیمات عالیه دین بود، اتفاقاً جریان بعدی حوادث نیز این عقیده را روز به روز روشنتر می ساخت و در نتیجه شیعه نیز در عقیده خود استوار می گشت. شیعیان از علی و فرزندان او پیروی می کنند، به اعتبار اینکه آنان جانشینان پیامبر(ص) و پیشوایان مردم پس از اویند و آن حضرت ایشان را به فرمان خدا برای این مقام نصب کرده و نام ها و ویژگی های آنان را یاد کرده است، در اینجا شیعه به این معنی است و مشهور بوده که علی(ع) وصی است و این از لقب های او گشته و شاعران در قصیده هایشان با همین عنوان از او یاد کرده اند.

فشرده سخن اینکه این لفظ شامل هرکسی می شود که به رهبری امت از سوی علی(ع) پس از پیامبر(ص) معتقد باشد و اینکه او جانشین پیامبر(ص) در همه ی اموری است که به او مربوط است جز پیامبری و نزول وحی همه اینها بر اساس تصریح پیامبر(ص) است. بنابراین پایه ی اصلی تشیع اعتقاد به وصایت و رهبری با همه ی شئون آن برای امام(ع) است.

موضوع مورد بحث، حقانیت شیعه که حق به معنای گفتار درست و قضیه ای است که مطابق با واقع باشد و موافق با نفس الامر و بالاخره سزاوار و درست و راست و اطلاق بر عقائد و مذاهب هم می شود و مقابل آن باطل است. معنای لغوی شیعه پیروان و یاران است و در اصطلاح شیعه به کسانی می گویند که از علی(ع) و فرزندانش پیروی نموده و ولایت آنان را پذیرفته اند و این نام برای پیروان اهل بیت به قدری مشهور و معروف شده که تا واژه ی شیعه بر زبان جاری می شود بی درنگ پیروان علی(ع) به ذهن می آید و مذهب آنان تشیع نامیده می شود. که آنچه در اینجا نوشته شود، مورد بررسی قرار گرفته اثبات حقانیت مذهب تشیع در مقایسه با مذهب تسنن می باشد.

حق : در قاموس لغت به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت، وجود ثابتی که انکار آن روا نباشد، نیز به معنای وجود مطلق و غیرمقیدی که به هیچ قیدی تقید نشده باشد یعنی ذات اقدس باری تعالی آمده است. این واژه هرگاه به صورت مصدری به کار رود به معنای «ثبوت» و اگر به شکل وصفی استعمال شود به معنای «ثابت» است. در اصطلاح عام حکم مطابق با واقع را گویند که بر اقوال و عقاید و مذاهب و ادیان اطلاق می شود.^۱ شیعه : در لغت به معنای دوستان، یاران و پیروان کسی است و در اصطلاح گروهی از مسلمانان را گویند که معتقد به امامت بلافصل علی بن ابیطالب(ع) و فرزندان او هستند.^۲

۱- آیت الله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، مرکز انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۵، ص ۲۳.

۲- محمد معین، فرهنگ لغت معین، انتشارات ثامن، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴۶۸.

سنی : در لغت منسوب به سنت، عملی که منطبق بر سنت بود. کار مطابق سنت رسول که در مقابل آن بدعی قرار دارد. در اصطلاح مسلمانان آن گروه از مسلمین می باشند که به سنت رسول (ص) پایبند نبودند و بدان عمل کنند در قبال بدعی یعنی کسی که رسول و قواعد و مقتدرات نوظهور احداث نموده و چیزهایی بر دین افزوده یا از آن کاسته باشد مانند برخی متکلمین و پیروان فلسفه^۱.

^۳- سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف (دایرة المعارف جامع اسلامی)، ج۳، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵، ص ۷۶۹.

فصل دوم : ادبیات نظری

الف) مفهوم و معنای شیعه در قرآن و روایات

- معنای لغوی شیعه
- معنای اصطلاحی شیعه
- واژه‌ی شیعه در قرآن و حدیث
- اخباری در تشریح مقام تشیع
- مفهوم حق و حقانیت

ب) تاریخچه شیعه

- اصل تشیع و اولین واضع اسم آن
- علل و ظهور تشیع
- اولین گروه تشیع
- اهل سنت
- اختلاف میان شیعه امامیه و فرقه‌های دیگر شیعی
- عظمت شیعه

الف) مفهوم و معنای شیعه در قرآن و روایات

معنای لغوی شیعه

شیعه در لغت به معنای پیرو، طرفدار و گروهی است که بر امری یک سخن شوند. همچنین بر گروه و یاران هم اطلاق می شود.^۱ ریشه ی شیعه از مشایعت. به معنای مطاوعه و پیروی کردن است و شیعه چون از اهل بیت (ع) متابعت و پیروی می کنند و به آن اعتقاد دارند بدین نام موسوم گشتند.^۲

ابن فارس گفته است : شیعه دو معنای ریشه‌ای دارد، یکی بر یاری دلالت دارد و دیگری بر بخش و گسترش، اینکه می گویند فلانی وقتی بیرون رفت دیگری او را مشایعت کرد از معنای اول است. در واقع شیعه جماعتی است که پیرو رئیس خودند و اندیشه ای واحد دارند و این لفظ شامل هرکس می شود که به رهبری علی (ع) پس از پیامبر (ص) معتقد باشد و اینکه او جانشین پیامبر (ص) در همه اموری است که به او مربوط است جز پیامبری و نزول وحی همه ی اینها بر اساس تصریح پیامبر (ص) است . بنابراین پایه ی اصلی تشیع اعتقاد به وصایت و رهبری با همه ی شئون آن برای امام (ع) است.^۳

کلمه ی شیعه در عربی در اصل به معنای یک، دو یا گروهی از پیروان است. در قرآن مجید این لفظ چندین بار به کار رفته است. برای مثال در آیه ی پانزدهم سوره قصص خداوند متعال درباره ی یکی از پیروان حضرت موسی (ع)، به عنوان شیعه موسی (ع) سخن می گوید. در جای دیگر حضرت ابراهیم (ع) به عنوان شیعه نوح معرفی شده است. (صافات/۸۳) در آغاز تاریخ اسلام لفظ «شیعه» به معنای اصلی و لغوی اش برای پیروان افراد مختلفی به کار می رفت. برای مثال در برخی از روایات از شیعه علی

^۱ - جمعی از مؤلفان، تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۶ و ۵، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵.

^۲ - علیرضا مسجدجامعی، پژوهشی در معارف امامیه، ج ۱۰، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ص ۱۰۴۰.

^۳ - آیت الله جعفر سبحانی، سیمای عقاید شیعه، ترجمه کتاب دلیل المرشدین الی الحق الیقین، مترجم: جواد محدثی، نشر مشعر، تهران، ۸۶.

بن ابی طالب و در برخی روایات دیگر از شیعه معاویه بن ابی سفیان سخن به میان آمده است. اما این لفظ به تدریج معنای ثانوی یا اصطلاحی پیدا کرد و براساس این معنا، تنها بر پیروان علی(ع) که به امامت او معتقدند اطلاق می گردند.^۱

معنای اصطلاحی شیعه

شیعه در اصطلاح؛ به مسلمانانی گفته می شود که حضرت علی(ع) را پس از رحلت پیامبر(ص) خلیفه ی شرعی می دانند و عمل افرادی را که در سقیفه ی بنی ساعده گرد آمدند و ابوبکر را به خلافت و جانشینی پیامبر (ص) برگزیدند نمی پذیرند. شیعیان این کار را نقطه ی آغازین انحراف در تاریخ سیاسی اسلام می دانند و معتقدند امامت علی(ع) از سوی پیامبر(ص) منصوص بوده و امامت جز به ظلم و ستم از علی(ع) و اولاد او خارج نمی شود. از این رو چنین کسانی شایستگی جانشینی پیامبر(ص) را دارند.^۲

شهرستانی در کتاب «الملل و النحل» که از منابع برجسته مربوط به فرق و مذاهب اسلامی است، چنین می گوید: «شیعه کسانی هستند که از علی(ع) بطور خاص پیروی می کردند و به امامت و خلافت او بنا بر اراده و تعالیم صریح حضرت محمد(ص) ایمان آوردند.»

این تعریف ساده بسیار دقیق است؛ زیرا شیعیان، خود معتقدند که دلیل پیروی ایشان از علی(ع) خواست پیامبر(ص) است و نه تصمیم شخصی ایشان در انتخاب رهبر، بر خلاف غیر شیعه که پنداشتند پیامبر(ص) مسأله تعیین جانشین خود را به مردم واگذار کرده و پس از ارتحال ایشان از کسی پیروی کردند که در سقیفه انتخاب گشت. البته ابوبکر بن ابی قحافه، خلیفه نخست که این چنین انتخاب شده بود، عقیده داشت که خود باید جانشین را معین کند و خلیفه ی دوم عمر بن خطاب نیز شورای شش نفره ای را با دستورالعمل کاملاً مشخص گماشت تا از میان خود کسی را به عنوان جانشین

^۱ - محمدعلی شمالی، *شیعه شناسی مقدماتی*، مرکز انتشارات آموزش و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۴، ص ۱۵.

^۲ - علیرضا مسجدجامعی، *پژوهشی در معارف امامیه*، ج ۱، ص ۱۰۴۰، تهران، ناشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

وی برگزینند. جالب است که این علی(ع) چهارمین خلیفه بود که تقریباً همه ی مسلمانان او را بر گزیدند و پس از قتل خلیفه دوم عثمان بن عفان او را مجبور ساختند که خلافت را بپذیرد.

شیخ مفید در تبیین علت نامیده شدن شیعه به امامیه می گوید: « این عنوانی است برای کسانی که به ضرورت امامت و تداوم آن در اعصار و ضرورت نصب صریح امام و نیز عصمت و کمال وی قائلند.» بدین ترتیب می توان مسلمان شیعه را کسانی دانست که درباره ی وصایت و جانشینی پیامبر(ص) این باورها را دارند:

الف : جانشینی پیامبر(ص) منصبی الهی است.

ب : همانطور که پیامبر(ص) توسط خداوند انتخاب شده بود، جانشین پیامبر(ص) یا امام نیز باید توسط خداوند انتخاب شده و به وسیله ی پیامبر(ص) به مردم معرفی گردد.

ج : جانشین بی واسطه پیامبر اکرم(ص)، علی(ع) است.^۱

تشیع، جریان اصلی اسلام و همان اسلام نازل شده در کوه حرا است. که به دست محمد بن عبدالله(ص) ترویج شده، پس تشیع انبیاء دو وجه معنایی دارد یک وجه بر حق کلمه، و دیگری در حکم باطن و معنای درونی اسلام است که خود نتیجه ختم پیام نبوت است و این هویت تشیع است و به سخن دیگر اسلام همان تشیع و تشیع همان اسلام است. اسلام در ادامه تشیع و تشیع در ادامه اسلام است، آن چه جز این است متحدث و نوظهور است و بدعت است و پس از نزول قرآن و درگذشت پیامبر(ص) بر آمده است.

آنچه در آیات قرآن آمده و سنت و احادیث و سفارش های صریح و مؤکد پیامبر(ص) را تثبیت کرده و وظیفه قرار داده و از اسلام و ادامه آن دانسته شده است، همان محتوای تشیع است. اسلام چیزهایی است که قرآن و پیامبر گفته اند و قرآن و پیامبر(ص) درباره درگذشت پیامبر(ص)، ولایت و امامت و وصایت را مطرح کرده است و

^۱ - محمدتیجانی تونسلی، الشیعه هم ال السنه، ج ۱، ترجمه : عباس علی براتی، ناشر: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۷.

این محتوای تشیع است که با توجه به ابعاد کامل و عمق آن، همان ادامه و تبلور و تحقق اسلام است. بنابراین جریان طبیعی اسلام همان مذهب تشیع است.^۱

واژه شیعه در قرآن و حدیث

در قرآن کریم شیعه به معنای پیرو پیامبران و شخصیت های بزرگ به کار رفته است. خداوند در داستان حضرت موسی (ع) می فرماید:

«فاستغاثه الذی من شیعتہ علی الذی من عدوہ»^۲

«آنکه از پیروان او بود او را بر ضد آنکه از دشمنانش بود به فریاد رسی خواست»؛

نیز می فرماید:

«و انّ من شیعه ابراهیم»^۳

«و از جمله پیروان او ابراهیم است که با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد»

به معنای پراکندگی و تفرقه و اختلاف هم به کار رفته است.

«من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعاً»^۴

هرگاه در معنای تبعیت به کار رود به بعد مثبت و ایجابی معنی اشاره می کند، اما

وقتی در معنای تفرقه و پراکندگی به کار می رود به معنای منفی اشاره دارد.

اما در حدیث بی شک از آنجا که پیامبر(ص) عرب اصیل است، این واژه را در

معنای حقیقی آن (پیرو) به کار می برد. وقتی آیه «ان الذین امنوا و عملوا الصالحات

اولئک هم خیر البریه»^۵ نازل شد، حضرت در حال حیات خویش، پیروان علی(ع) را شیعه

توصیف کرد. به نقل محدثان و مفسران در روایات متعددی آمده است که رسول

خدا(ص) گروهی را که نسبت به علی(ع) موالات و پیروی داشتند، خیرالبریه (بهترین

انسان ها) نامید، برخی از این حادثی چنین است :

^۲ - علیرضا مسجدجامعی، پژوهشی در معارف امامیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۰۴۰ .

^۳ - سوره قصص، آیه ۱۵ .

^۴ - سوره صافات، آیه ۸۳ .

^۵ - سوره روم، آیه ۳۲ .

^۶ - سوره بینه، آیه ۷ .

۱- ابن مردویه از عایشه نقل می کند: گفتم یا رسول الله (ص) چه کسانی نزد خدا گرامی ترین افرادند؛ فرمود: ای عایشه مگر آیه «ان الذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه» را نمی خوانی؟

۲- ابن عساکر از جابر بن عبدالله نقل می کند: نزد پیامبر (ص) بودیم که علی (ع) آمد، پیامبر فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست این و پیروانش در قیامت رستگارانند و آیه (بالا) را خواند از آن پس هرگاه علی (ع) می آمد اصحاب پیامبر (ص) می گفتند: خیر البریه آمد.

۳- ابن عدی و ابن عساکر از ابوسعید روایت کرده اند که علی (ع) خیر البریه است.

۴- ابن عدی از ابن عباس نقل می کند: چون آیه «ان ...» نازل شد ، پیامبر خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «خیر البریه، تو و پیروان تو در روز قیامت هستید هم از خدا راضی هستید هم او از شما راضی است.»

۵- ابن مردویه از علی (ع) نقل می کند که : «پیامبر (ص) به من فرمود، آیا این سخن خدا نشنیده ای که «ان الذین ...» آنان تو و پیروان تو هستند وعده گاه من و شما کنار حوض است آنگاه که امت برای حسابرسی می آیند شما خوانده می شوید.

اینها بخشی از روایاتی است که از پیامبر (ص) نقل شده و لفظ شیعه بر پیروان علی (ع) اطلاق شده است.^۱

اخباری در تشریح مقام تشیع

«ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی» در فصل هفدهم «مناقب و حاکم ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله الحکامی» که مفسرین بزرگ اهل تسنن است در کتاب «شواهد التنزیل فی قواعد التفصیل» و «محمد بن یوسف گنجی شافعی» در ص ۱۱۹ «کفایت الطالب و بسط ابن جوزی» در ص ۳۱ «تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه (به حذف آیه)» و «منذربن محمد بن منذر» و مخصوصاً «حاکم» روایت نموده که «حاکم ابو عبدالله

^۱ - آیت الله جعفر سبحانی، سیمای عقاید شیعه، ترجمه کتاب دلیل المرشدین الی الحق المبین، مترجم: جواد محدثی، نشر مشعر، تهران، ۸۶، ص ۲۵.

حافظ» خبر داد ما را به اسناد مرفوع به یزید بن شراحیل انصاری کاتب حضرت علی(ع) که گفت: شنیدم از آن حضرت که فرمود: «وقت رحلت خاتم الانبیاء(ص) پشت مبارکش به سینه ی من بود فرمودند: «یا علی آیا شنیده ای آیه ی (ان الذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه) ایشانند شیعیان تو و وعده گاه من و شما کنار حوض کوثر خواهد بود در وقتی که جمع شوند خلائق برای حساب شما (بخوانند و شما سفیدرویان باشید و شما را آن روز «غراً محجلین» ندا کنند یعنی پیشوای سفیدرویان.» و نیز «جلال الدین سبوطی» که از مفاخر اهل سنت است، در تفسیر خود از «جابر بن عبدالله انصاری» که گفت: «در خدمت رسول اکرم(ص) بودیم که علی بن ابیطالب (ع) وارد شد، پیغمبر(ص) فرمود: «قسم به کسی که جان من در قبضه ی قدرت اوست این مرد(اشاره به علی) و شیعه او در روز قیامت رستگارانند.» آنگاه آیه مذکور نازل گردید.

و نیز در همان تفسیر از «ابن عدی» و از «ابن عباس» روایت نموده که گفت: خدمت رسول خدا(ص) بودیم علی(ع) رو به ما آمد حضرت فرمود: «قد اتاکم اخی» یعنی رو به شما آمد برادر من علی(ع). آنگاه ملتفت شد به سمت کعبه و دست علی را گرفت و فرمود: «به آن خدایی که جان من در دست اوست این علی و شیعیان او رستگارانند روز قیامت.» و نیز ابن حجر در صواعق و ابن اثیر در جلد سوم «نهایه» همین مطلب را در نزول آیه شریفه نقل نموده اند.

«ابن حجر» در باب ۱۱ «صواعق» از «حافظ مجال الدین محمد بن یوسف زرنندی مدنی» که از فحول فقها و علمای سنی می باشد نقل نموده که چون آیه مذکور نازل گردید رسول اکرم(ص) به علی(ع) فرمود: «یا علی تو و شیعیان تو خیر البریه هستید. می آید روز قیامت تو و شیعیان تو در حالیکه از خدا راضی و خدا هم از شما راضی است. می آید دشمنان تو دشمنانک دستهایشان به گردنشان بسته می باشد.» سپس امیر المؤمنین(ع) عرض کرد: «کیست دشمن من؟» فرمود: «کسی که بیزاری می جوید از تو و لعن می نماید تو را» و نظیر همین را «علامه شمهودی در جواهرالعقدین» آورده است.